

به یاد نخستین گام

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی در اولین دوره
مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن مجید،
یادواره آیت اله خاتمی - یزد - تابستان ۱۳۷۰

نکته: اولین دوره مسابقات قرآن «سمپاد» به همت همکاران ما در شهر «یزد» و در
آستانه سالگرد رحلت امام جمعه عارف و عزیز این شهر حضرت آیت اله خاتمی
برگزار شد. در این مراسم برادر عزیزمان جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای سید
محمد خاتمی که عهده دار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودند سخنانی در جمع
شرکت کنندگان ایراد نمودند که جهت اطلاع علاقمندان، نسبت به چاپ آن در این
شماره، اقدام می نمائیم.

«سمپاد»

○ ○ ○

بسم الله الرحمن الرحيم. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ، الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ
لَهُمْ أَجْرًا عَظِيمًا. صدق الله العَلِيُّ العَظِيم.

برای ما موجب افتخار است که برگزیدگانی هوشمند از نوباوگان میهن اسلامی اولین
گردهمایی خود را برای ادای احترام به پیشگاه قرآن کریم و ارج نهادن به کلام الهی و اهتمام به آن،
در این شهر برگزار نمودند. من به نوبه خود از برگزار کنندگان این جمع مقدس از صمیم قلب

سپاسگزاری می‌کنم از نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه محترم یزد جناب آقای صدوقی، از استاندار محترم و عزیز یزد جناب آقای حمیدیا* و مسئولان دیگری که در این زمینه تلاش کردند و همچنین از برادر عزیزمان جناب آقای دکتر اژه‌ای سرپرست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان که این مراسم را در یزد برگزار کردند و بیش از همه از دانش‌آموزان عزیز، خانمها و آقایانی که در واقع صاحب اصلی این جمع هستند و با تشریف‌فرمایی خود این موهبت الهی را به این شهر دادند، تشکر می‌کنم.

«قرآن» کتاب آسمانی ماست، قرآن کتاب «هدایت» انسان است، «انسان» نیازمند به هدایت است، «هدایت» او باید سازمان یافته، هدفدار و برنامه‌ریزی شده باشد و قرآن برنامه هدایت الهی است و همانطور که در آیه‌ای که در صدر عرایضم گفتم خداوند سبحان می‌فرماید: قرآن به طریقه‌ای و به راهی و شیوه‌ای هدایت می‌کند که آن طریقه و شیوه قوام دارتر، استوارتر، محکمتر و اطمینان‌بخش‌تر از سایر طریقه‌هاست. البته این مسئله نفی نمی‌کند که انسان در جهاتی می‌تواند بدون متمسک شدن مستقیم به آموزش و تعلیمات الهی، هدایت‌هایی پیدا بکند اما طریق اقدم و طریق مطمئن و طریقی که صددرصد به سرانجامی مطلوب و متناسب با شأن والای انسان می‌رسد قرآن است و بس.

در این زمینه قرآن نظیر، شبیه و شریکی ندارد. تنها با متمسک شدن به قرآن است که انسان می‌تواند هدایت شود و هدایت انسان یعنی درک بیشتر خدا و نزدیکتر شدن به خدا؛ و چون خدا، قدرت مطلق است و چون انسان واجد استعداد بی‌نهایت برای هدایت است این سیر کمالی، پایان‌ناپذیر است. یعنی همواره انسان به پیش می‌رود، چون هدف نامتناهی است، مرتب به هدف نزدیکتر می‌شود ولی به نهایت هدف محال است برسد، و چون انسان ظرفیت سیری ناپذیر و پایان‌ناپذیر دارد این سیر کمالی در انسان باقی است یعنی در غایت و نهایت و مقصد حدی ندارد و در مقابل (به یک معنی فاعل خود خداست) این هم چون نهایت ناپذیر است سیر هدایت و سیر کمال پایان‌ناپذیر است.

با پایان برنامه زندگی دنیوی انسان، سیر کمالی انسان پایان نمی‌پذیرد - یعنی در نشئه دیگر نیز انسان دائماً کمال پیدا کند. تعبیری که در صلوات پیامبر و آل پیامبر هست که ما دائماً صلوات می‌فرستیم. پیامبر که انسان کامل است، پیامبر که نشئه دنیایی را پشت سر گذاشته است، پس درود بر او و سلام الهی که خودش نحوه‌ای از کمال است چه معنا دارد؟ تعبیر عرفانی این مسئله این است

که روان پیامبر و جان پیامبر در آن دنیا هم دائماً در حال کمال می باشد. روان مؤمن هم همینطور است. هدایت قرآن پایان ناپذیر است. مقصد انسان بی منتهاست. جان انسان ظرفیت بی نهایت دارد و قرآن تنها کتاب و تنها مکتبی است که می تواند متصدی این هدایت بی نهایت برای انسان بشود یعنی قرآن متناسب با شأن کمال پذیر و بی نهایت کمال پذیر انسان، فراهم آمده است.

اما آیا این هدایت یک هدایت «تکوینی» خودبخودی است، البته که هدایت تکوینی است، یعنی در سازمان وجودی انسان تحول ایجاد می شود. یک انسانی که دانش ندارد از نظر وجودی کم دارد، وقتی دانش پیدا کرد کمال وجودی پیدا می کند یعنی تکویناً و وجوداً چیز دیگری می شود - غیر از آنکه این سواد را نداشت - منظور از «کمال تکوینی» این است که بر وجود انسان افزوده بشود - یعنی انسان وجودش بزرگتر و گسترده تر بشود، بقول مولوی:

جان چه باشد جز خبر در آرزو هر که را افزون خبر، جانش فزون

هر که داناتر، دارای جان بزرگتر، دارای دامنۀ وجودی بیشتر. یک آدم دانا وجودش بزرگتر از یک جاهل است نه اینکه وجود آدم چیزی است و در اثر کمال چیزهایی بر وجود او افزوده شده است نه، خود وجود آدمی سعه بیشتری پیدا می کند. پس هدایت که سیر به سوی کمال است اثر تکوینی دارد. اما هدایت تشریعی از این جهت که آیا این هدایت خود بخودی است یعنی همه انسانها خود بخودی مشمول هدایت الهی هستند، همچنانکه باران می بارد و بر هر زمینی که در زیر پای ابر بارنده باشد باران خود بخود فرود می آید، آیا هدایت الهی هم این چنین است؟ که انسانها چه بخواهند و چه نخواهند مشمول کمال می شوند؟ به یک معنی نه! انسان چون موجود عاقل و موجود مرید و مختار است خود او در این هدایت نقش دارد یعنی انتخاب او مهم است. گمان نکنیم که چون قرآن عامل هدایت همه انسانها است و همه انسانها هم هدایت پیدا می کنند، بنحوی یا قائل به جبر شویم و بگوئیم، کسانی که هدایت پیدا نمی کنند اصلاً نمی توانند هدایت بشوند و کسانی که می توانند هدایت شوند از سوی قرآن هدایت شده اند؛ نه، باینش قرآنی خود انسان در این هدایت نقش دارد. اگر خدا در یک جا می فرماید: **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ**. و در جای دیگر می فرماید: **مَنْ جَاهَدَ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا**. جهاد، تلاش، کوشش، دنبال کمال رفتن، کسب کردن، شرط کمال الهی است. اینجا هر کسی به اندازه تلاشی که می کند بهره می گیرد. مائیم که باید تلاش کنیم تا مشمول هدایت الهی شویم «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»، همین قرآن که منشاء هدایت بشریت است انسان ظالم و ستمکار به نفس خویش جز خسران و زیان چیزی از این

نمی‌گیرد.

خوب قرائت قرآن گامی است برای این هدایت. اول تجوید، دانستن قرآن و تلاش برای فهمیدن بیشتر قرآن. این مسابقات در صورتی ارزش دارد که گام اول باشد.... گام اول شناخت ظاهر قرآن، خوب دانستن قرآن، خوب خواندن قرآن، حفظ کردن قرآن برای خوب فهمیدن قرآن و عمل کردن به قرآن.

ما «انقلاب اسلامی» کردیم و «حکومت اسلامی» هم داریم. وظیفه ما نسبت به قرآن بالاتر است، دیگر ادعای اینکه مکتب قرآن بر تراز سایر مکتبها است کافی نیست در عمل ما باید اثبات کنیم. دیگر کسانی که پیرو قرآن اند، پیرو اسلامند در پستوها و خانه‌ها و مدرسه‌ها ننشسته‌اند که فقط ادعا کنند که اسلام و قرآن و مکتب، بزرگتر از سایر مکتبهاست ما در عمل باید ثابت کنیم. ما در مقابل مکتبها و فکرها و اندیشه‌های فراوانی قرار داریم، اسلام بصورت حکومت درآمده است ما در صورتی حق قرآن را ادا کرده‌ایم و در صورتی انقلابمان موفق است که :

«یک»: منطقاً ثابت کنیم که قرآن و احکام الهی و ارزشها و اصول الهی برتر از سایر مکتبها است نه فقط با نفی دیگران، باید خود را اثبات کنیم و نه فقط دیگران را نفی کنیم، مکتبهای دیگر حرفهایی دارند خود قرآن هم نمی‌گوید که هر چه دیگران گفتند باطل است می‌گوید: *يَهْدِي لِلّٰى هِىَ اَقْوَمُ*. اولاً آموزش اسلامی این است که ما از دیگران هم یاد بگیریم. اگر دیگران تجربه فکری و عملی دارند و حرف خوبی دارند یاد بگیریم و نقاط ضعف آنها را بشناسیم. و بعد عملاً برویم اسلام را آنجور بفهمیم که واقعاً منطقاً برتر از افکار دیگران باشد. اگر ما نتوانیم اسلام را بشناسیم و درست عرضه بداریم، هر چه هم بگوئیم اسلام خوب است و هر چه هم بگوئیم نخیر آنها بدند، نه اسلام تقویت شده است نه دیگران ضعیف شده‌اند. برای اینکه اسلام را بفهمیم، چکار باید بکنیم؟ باید زمان خودمان را بشناسیم، باید بفهمیم که برای بشر امروز، انسان امروز و بخصوص متفکران امروز، چه سؤالهایی مطرح است، سؤالها را درست بفهمیم، عرضه بداریم و جوابهای متناسب با زمان را از قرآن بگیریم و خوب هم بگیریم و در یک مقایسه، اثبات بکنیم که جوابهای ما برتر و شایسته‌تر از جواب دیگران است این یک.

«دوم»: اینکه در عمل باید شایستگی بیشتر قرآن و اسلام را ثابت بکنیم اگر اسلام گفته است زمینه رشد و کمال انسان را فراهم می‌آورد باید ببینیم که نظامی که ما بنام اسلام ایجاد کرده‌ایم چقدر تأمین کننده نیازهای مادی و معنوی انسانهاست، چقدر تأمین کننده عدالت است، چقدر

زمینه‌ساز این است که استعدادها به حق و عدل رشد بکند. ما پس منطقاً باید اثبات کنیم که برتر از مکتبهای دیگر هستیم و هم عملاً ثابت کنیم که اسلام شایسته‌تر از مکتبهای دیگر است. جهاد ما یعنی این: مَنْ جَاهَدَ فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا... ما باید زمانمان را بشناسیم، تلاش کنیم که حق را مطابق با آنچه که زمان نیاز دارد عرضه بداریم. قطعاً خدا هم ما را هدایت خواهد کرد. می‌خواهیم یک نتیجه بگیریم که تشکیل «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» یکی از این جهادها است برای اینکه ما مشمول هدایت قرآن بشویم، صورت گرفته است. اگر می‌بینیم در کشور، زنان و کودکان و پسران و مردان و دخترانی وجود دارند که از استعدادهای بیشتری برخوردارند یا زمینه رشد بیشتری دارند عقل و تدبیر هدایت واقعی این است که زمینه‌ای فراهم بیاوریم که اولاً: این استعدادها را کشف کنیم، ثانیاً: در مسیر درست به فعلیت رسیدن آنها را قرار دهیم و از این نیروها برای تقویت اسلام، برای تقویت نظام، برای پیشبرد امور، برای تربیت نیروهایی که برجسته‌تر بتوانند خدمت کنند استفاده بکنیم. البته اینکار، کار آغازین است و کار آغازین نقصها و کمبودهایی دارد که در طول زمان باید حل شود من تلاشی را که در مسؤولان محترم و دلسوز سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان دیدم سخت به آینده این سازمان امیدوارم، و امیدوارم که شما دختران و پسران عزیزی که اولین سربازان این صحنه هستید با موفقیت برجسته‌ای از عهده وظایفی که در این سازمان و در مراکز این سازمان بعهدۀ شماست برپائید و انشاءالله شما بیش از دیگران سعی کنید «قرآن» را بشناسید و مبنای رشد خودتان و ساختن شخصیتتان را قرآن قرار بدهید که انشاءالله این گردهمایی آغاز مبارکی است برای یک حرکت بسیار عظیم در زمینه درک بیشتر قرآن.

خدا همه شما را موفق بدارد و امیدوارم که همه ما شاهد موفقیت‌های چشمگیر و روزافزون شما عزیزان باشیم. خدا یار و نگهدار همه شما عزیزان.